

# کورش کبیر

## حقیقت تاریخ

به کوشش: مهندس فرشاد ابریشمی



انتشارات ابریشمی فر

تهران - ۱۳۸۴

ابریشمی، فرشاد، ۱۳۵۲ -

کوروش کبیر: حقیقت تاریخ / به کوشش فرشاد ابریشمی، -- تهران: ابریشمی فر، ۱۳۸۴.  
ISBN: 964 - 95901 - 1 - 0

۳۳۶ ص.: مصور، جدول.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

واژه نامه.

کتابنامه: ص. [۳۳۳]-۳۳۴.

۱. کوروش هخامنشی -- شاه ایران -- ۵۲۹ ق. م. ۲. ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸

-- ۳۲۰ ق. م. ۳. ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام، الف. عنوان، ب. عنوان: حقیقت تاریخ.

۹۵۵/۰۱۵

DSR۲۳۶ / ۴ ف

۸۴-۹۳۱۶ م

کتابخانه ملی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

## کوروش کبیر حقیقت تاریخ

به کوشش: مهندس فرشاد ابریشمی

عکاس تصاویر: آنوسا ابریشمی

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

حروفچینی و صفحه آرایی: حروفچینی گنجینه

لینوگرافی: فاسملو، چاپ: سعیدنو

صحافی: گوهر، ناشر: ابریشمی فر

نشانی مکاتبه ای ناشر: تهران - صندوق پستی ۱۳۴۴۵-۳۸۶

شابک: ۹۶۴-۹۵۹۰۱-۱-۰ ISBN: 964 - 95901 - 1 - 0

Email: Farshadabrishami @ hotmail.com

حق چاپ محفوظ است

## فهرست

|     |                                                            |
|-----|------------------------------------------------------------|
| ۹   | ..... دیباچه                                               |
| ۱۳  | ..... مقدمه                                                |
| ۱۹  | ..... فصل اول - نژاد آریائی                                |
| ۳۹  | ..... فصل دوم - حکومت مادها                                |
| ۵۱  | ..... فصل سوم - حکومت پارس ها                              |
| ۶۱  | ..... فصل چهارم - ظهور کوروش کبیر                          |
| ۷۳  | ..... فصل پنجم - لیدی                                      |
| ۹۱  | ..... فصل ششم - بازگشت به ماد                              |
| ۹۹  | ..... فصل هفتم - فتح بابل                                  |
| ۱۱۵ | ..... فصل هشتم - تورات و کوروش کبیر                        |
| ۱۳۱ | ..... فصل نهم - قرآن کریم و کوروش کبیر                     |
| ۱۴۷ | ..... فصل دهم - اوضاع اجتماعی و فرهنگی در دوران کوروش کبیر |
| ۱۶۹ | ..... فصل یازدهم - خصائل کوروش کبیر                        |
| ۱۹۱ | ..... فصل دوازدهم - وفات کوروش                             |
| ۲۲۳ | ..... فصل سیزدهم - وارثان کوروش کبیر                       |
| ۲۷۱ | ..... فصل چهاردهم - یادگار هخامنشیان                       |
| ۳۲۵ | ..... فصل پانزدهم - سخن آخر                                |
| ۳۳۵ | ..... فهرست منابع و مآخذ                                   |

## دیباچه

لطف پنهانی او در حق من بسیار است

گر بظاهر سختش نیست سخن بسیار است  
یزدان پاک را سپاس که اینک براساس وظیفه قلم بر کاغذ برده و  
تلاش خواهم کرد تا با نگرشی به تاریخ کهن ایران باستان پرافتخارترین  
دوران آن یعنی سلسله هخامنشیان را مورد مطالعه قرار دهیم و  
بنیانگذار حکومت چهارگوشه جهان، بزرگ‌مرد تاریخ «کوروش کبیر»  
را به‌نسل جوان و نوپای کشورمان معرفی کنیم. شخصیت بزرگی که  
عنوان اولین «کبیر» تاریخ را با افتخار به‌همراه دارد در تمامی کتب  
مقدس الهی و یادگارنامه‌های مورخین یونانی عهد قدیم دارای  
جایگاه بلند و بی‌همتا می‌باشد که با گذشت بیست و پنج قرن با  
کاوشهای باستان‌شناسان و یافته‌های الواح گلی و کتیبه‌های سنگی  
صحه بر بزرگواری این بزرگ‌مرد و دیگر شهریاران هخامنشی  
می‌گذارد و امیدواریم نسل جوان و هوشیار ما که در پی شناخت  
تاریخ و هویت خویش است بتواند از این مجموعه که خلاصه‌ای از  
حکایت زندگی پربار و پرافتخار کوروش کبیر و دیگر شاهان

هخامنشی است، استفاده نماید.

آنچه در این کتاب می‌خوانید گزیده‌ای از نوشته‌های استاد پیرنیا براساس گفتار مورخین یونانی قدیم و مطابقت آن با تواریخ ثبتی بابل و مصر و همین‌طور کتب عهد عتیق (تورات) می‌باشد که آنچه بیش از بیش مورد توجه و اجماع نظر قرار گرفته، در این مبحث نوشته شده است.

استفاده از تصاویر آرامگاه‌ها و کاخ‌های پاسارگاد و پارسه جهت اطلاع بیشتر خوانندگان محترم مورد کاربرد قرار گرفته و توضیح اجمالی اقدامات پادشاهان هخامنشی و یادگار آنان به عنوان راهنمایی جهت بازدید از این مکان‌های باستانی و زیبا می‌تواند مورد استفاده خوانندگان عزیز قرار گیرد.

این مجموعه نیز مانند تمام مقالات و کتب حاوی نکات انتقادآمیز و مورد بحث می‌باشد که از شما خوبان خواستارم به آدرس مکاتبه‌ای ما و یا پست الکترونیک ناشر ارتباط برقرار سازید.

«از آنجایی که مقدس‌ترین وظایف بشری، ترقی دادن قدرت فهم و ادراک عمومی و ترغیب مردم به دوست داشتن فضیلت است؛ نویسندگان حقیقی کسانی هستند، که تاریکی‌های جهل را از فضای انسانیت می‌زدایند، سختیها و تلخی‌های حیات را با افکار حکیمانه اصلاح می‌نمایند و با اندیشه‌های بدیع و تعبیرات لطیف، احساسات پاک را بیدار می‌کنند و نهایت فضیلت را بر فراز اجتماعات به اهتزاز درمی‌آورند.

نویسندگان بزرگ، جامعه انسانی را از اخلاق نکوهیده منزّه

می سازد، حوزه آدمیت را به سوی روشنائی رهبری می کنند. اهل عالم را به نیکی تشویق و از بدی تحذیر می نمایند. دایره افکار را وسعت می دهند و برای کسب بزرگی و افتخار هیجاناتی سودمند در خوانندگان آثار خویش ایجاد می کنند و از این رهگذر به استحکام بنای عزم و اراده افراد می کوشند و آنان را به فضیلت و کمال رهنمون می شوند»

ویتوریو آلفییری

ما نیز تلاش کردیم تا شما را با گوشه ای از خصایل اخلاقی و زندگی پرافتخار کوروش کبیر و وارثان او آشنا سازیم تا به لطف ایزد پاک در مجموعه های دیگر کامل تر بدین موضوع بپردازیم. در پایان بر خود واجب می دانم که نهایت سپاس و امتنان را از دوست و استاد گرامی جناب آقای عزت الله عظمی گودرزی به خاطر مقدمه زیبای خویش داشته باشم.

سپاس فراوان - ناشر

## مقدمه

تاریخ جهان از سه هزار و پانصد سال تاکنون یعنی از وقتی که انسانها از غارها بیرون آمدند و در شهرها سکونت گزیدند و اجتماع تشکیل دادند هرچند گاهی قدرتمندی پا به عرصه ظهور رسانده و شهرها و کشورها را مطیع خود ساخته و مردمان مخالف را کشته تا دیگر کسی در مقابلشان قد علم نکند و فتوحات بعدی را با مقاومت کمتری به دست آورد.

وقتی در روحيات چنین جهانگشایانی تحقیق و بررسی می شود، اغلب آنان شاخصه های مشترکی دارند که در جهانگشای دیگری نیز می توان همان روحيات را مشاهده کرد. به طور مثال اگر زندگی جهانگشایان طول تاریخ را از قلم مورخان مغرض و بی غرض و آنانی که خبر می دهند و یا آنانی که نظر می دهند بررسی کنیم. به این نتیجه می رسیم. که همه فاتحان تاریخ. فوق العاده خشن و بی رحم، خودخواه و جاه طلب، برای رسیدن به اهداف سیاسی نظامی خود از هیچ نوع کاری رویگردان نیستند. و همه آنان زراندوز و جویای مال و ثروت و همچنین نام و افتخار هستند.

اسکندر مقدونی، ژول سزار، نرون، آتیل، چنگیز، تیمور گورکانی، سلطان سلیم عثمانی، نادرشاه، ناپلئون و آدولف هیتلر.

وقتی در آئینه بررسی و دقت چهره این جهانگشایان را مشاهده می‌کنی، همه یک چهره دارند و آن هم چهره‌ای است که قبلاً تعریف شده و ذات و وجود درونی آنهاست که آنان را واداشت جهت ارضای نفسانی خود جهان را به خاک و خون بکشانند و خود را از کمبودها و یا حقارت‌های درونی نجات دهند و با این کار خود را ارضاء نمایند.

اما در میان فاتحان تاریخ و جهانگشایان جهان فردی دیده می‌شود که شاخصه‌های پیش‌گفته را ندارد. او نه فقط به کشورها و ملل دیگر هجوم نمی‌برد تا مال و ثروت به‌دست آورد، و یا از خونریزی لذت ببرد، و یا اینکه ملل دیگر را مطیع و خراج‌گزار خود نماید. و یا این که کمبود و حقارت‌های درونی خود را التیام بخشد. بلکه او همانند نجات‌دهنده‌ای به حاکمان ظالم و خونریزان ملل دیگر یورش می‌برد تا قومی یا ملتی را از سیطره ظلم نجات دهد.

او کسی نیست جز کوروش هخامنشی، زندگی پر رمز و راز او در تاریخ و ادبیات ایران دوگونه ثبت شد.

اگر تاریخ ایران که برگرفته از مورخین یونانی همانند هرودوت، گزنفون، توسیدات را ملاک گفته خود بدانیم، با توجه به اینکه اغلب نوشته‌های هرودوت مملو از حب و بغض نسبت به این مصلح بزرگ بشریت است با این وجود او عادل‌ترین داناترین و دوست‌داشتنی‌ترین فرد و یا حاکم بشریت در عهد باستان است. او هرگز به کشوری حمله نکرد تا طلا و مسکوکات به‌دست آورد، و یا مللی دیگر را در قید و بند خود کند و خراج‌گزار کشورش نماید. او همواره به‌صورت نجاتبخش به حاکمان مستبد حمله‌ور شد و مردم دیار مغلوب را از قید حاکم ظالم نجات داد و شهرهای آنان را ویران نکرد و به اعتقادات آنان تجاوز نمود. زنان و دخترانشان را به اسارت نبرد.

همواره تبسم بر لب داشت و در کنار سپاهیان‌ش زندگی می‌کرد و چیزی را می‌خورد و می‌نوشید که آنها می‌خوردند و می‌نوشیدند.

به گفته مورخین یونانی او از پدری پارسی که در انزان زندگی می‌کرد و نامش کمیوجیه بود و حاکم آن سرزمین و مطیع و خراج‌گزار پادشاهان ماد بود و مادرش دختر آزی دهاک و ماندانا نام داشت به وجود آمد.

آنطور که مورخین نوشته‌اند پادشاه ماد خواب می‌بیند درختی از تاک سرزمین او را دربر می‌گیرد و درخت متعلق به دخترش ماندانا است. خواب‌گزاران و متجمان می‌گویند از دخترت فرزندی به وجود می‌آید که سرزمین تو را می‌بلعد او دخترش را احضار می‌کند. و از انزان به هکمتانه می‌آورد، تا فرزندش به دنیا می‌آید و فرزند را به نگاهیانی مقرب و امین خود به نام هارپاک می‌سپارد تا او را بکشد. هارپاک وقتی به خانه می‌رسد در می‌یابد خداوند فرزندی مرده به او داده. فرزند مرده خویش را به جای کوروش قرار می‌دهد تا شاه مجاب و راضی شود.

کوروش از مرگ نجات می‌یابد و به سرزمین پدری خود برمی‌گردد و به سرزمین مادها که به تدریج برایش غرور نخوت حاکمان فاسد شده بودند حمله می‌کند. بدون اینکه جنگی خونین درگیرد کوروش سراسر سرزمین مادها را متصرف می‌شود.

اما اگر از نوشته مورخین بیگانه صرف نظر کنیم و به تاریخ و ادبیات کهن ایران زمین توجه نمائیم دیگر آزی دهاک شاهنشاه ماد آزی دهاک نیست، بلکه فردی دیگر به نام ضحاک مار بدوش است. او هر روز دو جوان را برای خوراک مارهای خود باید فراهم می‌کرد.

در داستان اساطیری، مغز جوانهای ایرانی برای خوردن مارهای روی دوش ضحاک به عنوان سمبل و تصدیق جنایات اوست. در نوشته‌های اساطیری از تمثیل ظریفانه‌ای استفاده شده. مغز جوانان ایرانی در حقیقت

اندیشه آزادیخواهی آنان است و باید از طرف فردی مستکبر و مستبد کوبیده می‌شد. و مارهای روی دوش او به عنوان چیزی که برای خود او هم مزاحمت است و از کارش خیری عایدش نمی‌شود. و شیطان یا ابلیس که شانه‌های ضحاک را می‌بوسد تا مارها به وجود آید. و سوسه‌های شیطانی و غلط است و کاری که در جهت خودخواهی و غرور انجام گیرد به صورت نماد شیطانی جلوه داده شده. و هارپاک این بار به نام کاوه آهنگر نامیده شده و کوروش به نام فریدون.

و یا اگر از تاریخ و ادبیات اساطیری درگذریم و به کتاب عهد عتیق (تورات) توجه کنیم و کوروش را در آن کتاب جستجو کنیم، انوقت این مصلح بزرگ و این نجاتبخش انسانها را از زبان دانیان نبی حزقیل نبی، جستجو خواهیم کرد. که به قوم بنی اسرائیل نوید می‌دهد که کوروش خواهد آمد.

و ما را از بند بابلیان و نبوخذ نصر نجات خواهد داد. و مال ما و طلای بیت المقدس را پس خواهد گرفت و به ما خواهد داد تا بیت المقدس را از نو بسازیم. سرانجام این پیشگویی به حقیقت می‌پیوندد و بابل فتح می‌شود و بنی اسرائیل نجات داده می‌شود و اموالشان مسترد می‌شود.

و یا اگر در قرآن کوروش را جستجو کنیم. در سوره مبارکه اصحاب کهف آیه ۸۲ به بعد کوروش را به نام ذوالقرنین می‌نامد و حرکت این مصلح بزرگ بشریت را به سوی لیدیه و شهر سارد که پیروان معبد دلف بودند و خورشید را می‌پرستیدند حرکت می‌کند و مردم آن سرزمین را از مستبد و متکبر سرزمینشان کروزوس نجات می‌دهد. و در بازگشت به اقوامی دیگر کمک می‌کند. آنها به کوروش می‌گویند در قبال خدمات تو ما چکار کنیم. او می‌گوید خداوند نعمتهائی به من داده و نیازی به کمک شما نیست.

اگر نوشته‌های مورخین یونانی، ادبیات کهن ایرانی و کتاب عهد عتیق

(توزات) یهودی و قرآن مسلمانان را مدنظر بگیریم. به این نتیجه می‌رسیم، که فاتحان تاریخ بشریت مصلح بزرگی چون کوروش هخامنشی در جمعشان وجود دارد با شناخته‌ای کاملاً متضاد و متفاوت با همه آنها. او بزرگترین افتخار بشریت و افتخار ایران و ایرانیان است. هرگز دستش به خون کسی آغشته نشد. شهرهائی که فتح نمود قبل از اینکه وارد شود دروازه‌اش به روی او گشوده شد. بعد از فتح هم او با همه مردم با مهربانی رفتار کرد و به سپاهیان‌ش دستور داد به اموال کسی تعرض و دست‌درازی نکنند.

والسلام

عزت‌الله معظمی گودرزی